

بازخوانی مسئولیت بین‌المللی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران:

تحلیل قطعنامه‌های شورای امنیت و سازوکار تعیین متجاوز

سیدرسول قریشی^{*۱}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

چکیده: مسئولیت بین‌المللی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی از موضوع‌هایی است که ذهن ایرانیان را به خود مشغول کرده است. بررسی حقوقی و تاریخی دفاع مقدس، نیازمند بازخوانی وقایع و اقدامات جامعه جهانی است؛ از این رو، در این مقاله به دو پرسش اصلی مورد پاسخ داده می‌شود. نخست، آیا جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل در مقابل جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، واکنش قابل‌توجهی نشان داده است؟ دوم، آیا اقدامات حقوقی برای جبران خسارت‌های جنگ توسط رژیم بعث عراق کافی بوده است؟ جنگ، آزمون مهمی برای مسئولان شورای امنیت بود تا گامی برای حفظ صلح و امنیت جهانی بردارند؛ اما، متأسفانه این شورا با واکنشی دوگانه از تعیین متجاوز خودداری نمود و تنها در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ تعیین متجاوز را به‌صورت دومرحله‌ای از مجرای تحقیق زیرنظر دبیرکل مشخص نمود. درنهایت، دبیرکل با ارائه گزارشی، رژیم بعث عراق را متجاوز معرفی کرد و این تجاوز را ناقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و ممنوعیت کاربرد زور دانست. این گزارش، پاسخی به عملکرد گزینشی شورا در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود. به‌نظر می‌رسد، گزارش دبیرکل می‌تواند مبنای قضاوت در خصوص تعیین متجاوز و مسئول جبران خسارت‌های ایران باشد.

واژگان اصلی: جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، شورای امنیت، قطعنامه

۵۹۸، گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین‌المللی.

۱. دکترای حقوق بین‌الملل و وکیل پایه یک دادگستری، نویسنده مسئول (rasoulghorayshe@yahoo.com).

مقدمه و بیان مسئله

جنگ، امری اجتناب‌ناپذیر است (Paenson, 1989: 2). به همین دلیل، راهکارهای گوناگونی برای محدود ساختن آثار مخرب جنگ ارائه شده است (نوربها، ۱۳۷۲-۱۳۷۱: ۱۷۶). تدوین منشور ملل متحد در خاتمه جنگ جهانی دوم، باعث تأیید عدم مشروعیت حقوقی جنگ شد.

واقعیت‌های موجود در جامعه جهانی نشان داده، نظم حقوقی نمی‌تواند مانعی قطعی برای سیاست‌های تجاوزکارانه برخی دولت‌ها باشد. نمونه چنین سیاست‌هایی، تهاجم رژیم بعث عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۵۹ هجری شمسی) است که با حمایت آشکار و نهان بسیاری از کشورهای مدعی صلح انجام گرفت. جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، نخستین نبرد جهانی است که در آن، کشورهای شرقی و غربی به‌طور مستقیم درگیر نبودند؛ اما، مشارکت غیرمستقیم این دولت‌ها در راه‌اندازی و ادامه آن، نقض آشکار اصول بی‌طرفی در جنگ بود. تجاوز رژیم بعث عراق به ایران از ۱۳ فروردین ۱۳۵۹ هجری شمسی، به صورت پراکنده (هیوم، ۱۳۷۶: ۵۴) و از واپسین ساعات ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هجری شمسی (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی) به شکلی برنامه‌ریزی شده آغاز شد (پارسادوست، ۱۳۷۱: ۱۷). در هر صورت، از نظر مجامع جهانی، آغاز این تهاجم ۳۱ شهریور است (زمانی، ۱۳۷۶: ۱۶۶).

هجوم رژیم بعث عراق به ایران بی‌تردید، اقدامی تجاوزکارانه بود؛ اما، شورای امنیت با اطلاع کامل، از معرفی این منازعه به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی خودداری کرد و تنها ادامه آن را خطری برای امنیت جهانی معرفی کرد (Dekker & Post, 1992: 258). همچنین، این شورا برای گریز از تعیین متجاوز، جنگ را با عنوان «وضعیت بین ایران و رژیم بعث عراق» توصیف کرد و تنها پس از غلبه نظامی ایران بر رژیم بعث عراق، این وضعیت را با عنوان «منازعه» و نقض صلح به مفهوم ماده ۳۹ و ۴۰ منشور، معرفی کرد. بی‌تردید، تداوم جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران مبین واکنش نابخردانه شورای امنیت است؛ زیرا، چنین برخورد غیرواقع‌بینانه‌ای برای حل اختلاف دو کشور، فلسفه وجودی سازمان ملل و بازوی اجرایی آن یعنی شورای امنیت را زیر سؤال برد و بر عملکرد آن تأثیر منفی گذاشت (مصفا و همکاران، ۱۳۶۶: ۱۲۹).

پس از تغییر کورت والدهایم^۱ و انتخاب خاویر پرز دکوئیاریا^۲ در سال ۱۹۸۲ میلادی (۱۳۶۱ هجری شمسی) به این سمت، فعالیت‌های دبیرکل در ارتباط با مسائل جنگ افزایش یافت. مهم‌ترین فعالیت‌های دبیرکل، جلب نظر شورای امنیت به مسئله جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، انجام مذاکره‌های متعدد با مقامات دو کشور و اعضای شورای امنیت و ارسال گزارش آن به شورای امنیت، تصویب طرح ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ میلادی (۲۰ خرداد ۱۳۶۳ هجری شمسی) در خصوص جلوگیری از حمله به مناطق مسکونی، طرح هشت ماده‌ای مارس ۱۹۸۵ میلادی (فروردین ۱۳۶۴ هجری شمسی)، ارائه طرح اجرایی قطعنامه ۵۹۸ و مهم‌تر از همه معرفی آغازگر و مسئول جنگ تحمیلی است. از اقدام‌ها دیگر دبیرکل، وادار کردن رژیم بعث عراق به پرهیز از حمله به مناطق مسکونی، منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی، جلوگیری از بدرفتاری با اسرای جنگی (براساس مقررات جهانی)، کاهش مصیبت‌های جنگ و درنهایت پایان دادن به جنگ است (بی-نام، ۱۳۷۰: ۱۷۰).

پرسش‌های پژوهش

در این مقاله به دو پرسش اصلی پاسخ داده خواهد شد. نخست، آیا جامعه جهانی در مقابل جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، واکنش درخوری نشان داد؟ دوم، آیا اقدامات انجام شده، برای انتساب مسئولیت جهانی خسارات ناشی از جنگ به رژیم بعث عراق کفایت داشته است؟ جهت پاسخگویی به این دو پرسش، در بند نخست، این مقاله عملکرد ضعیف و ناعادلانه شورای امنیت در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران بررسی خواهد شد. سپس، در بند دوم، ضمن بررسی موضع‌گیری ایران در مقابل قطعنامه ۵۹۸ و دلایل پذیرش آن، نقش دبیرکل سازمان ملل متحد از ابتدا تا پایان جنگ و پس از آتش‌بس بررسی می‌شود تا نشان داده شود، نقش ثانوی دبیرکل در حفظ صلح و امنیت جهانی به نقش اصلی تبدیل شده است؛ از این رو،

1. Kurt Waldheim

۲. کورت والدهایم، تبعه اتریش، فعالیت خود را به عنوان دبیرکل از سال ۱۹۷۱ میلادی آغاز نمود. این مسئولیت، در ابتدای سال ۱۹۸۲ میلادی به خاویر پرز دکوئیاریا (Javier Perez de Cuellar)، تبعه پرو، واگذار شد. دکوئیاریا از سال ۱۹۴۰ میلادی در وزارت امورخارجة کشور پرو و از سال ۱۹۷۱ میلادی نماینده کشورش در سازمان ملل متحد بود.

گزارش خاویر پرز دکوثیار در رابطه با تعیین مسئول و آغازگر جنگ در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ بررسی می‌شود.

روش پژوهش

در این مقاله، از شیوه توصیفی - تحلیلی به عنوان روش تحقیق استفاده می‌شود. همچنین، شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای است که بر مبنای این روش از کتب، نشریه‌ها و اسناد سازمان ملل متحد استفاده می‌شود. پس از گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق توصیف، تفکر، منطق و استدلال انجام می‌شود.

بند اول: عملکرد دوگانه شورای امنیت با توجه به وضعیت جنگ

شورای امنیت از آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران تا زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، قطعنامه‌های متعددی صادر کرد؛ به طوری که، در هر سال، یک قطعنامه صادر شد که تمامی آن‌ها فاقد نشانی از معرفی مسئول جنگ بود. در این قطعنامه‌ها، از جنگ دو کشور با عنوان وضعیت بین ایران و رژیم بعث عراق نام برده می‌شد. این تعلل مسئولان شورای امنیت در پایان بخشیدن به جنگ، نشان از اراده ضعیف آنان برای حل و فصل تجاوز رژیم بعث عراق علیه ایران داشت. عموم قطعنامه‌های شورای امنیت همواره لحنی توصیه‌گونه داشته و هیچ‌گونه تحریم اقتصادی، دریایی و هوایی علیه رژیم بعث عراق پیش‌بینی نکرده است. این وضعیت ناعادلانه تا زمانی ادامه داشت که رزمندگان ایرانی در صحنه‌های نبرد به پیروزی‌هایی دست یافتند و ارتش رژیم بعث عراق را شکست دادند. این وضعیت، شورای امنیت را به تکاپو انداخت و در قطعنامه ۵۹۸، نقض صلح جهانی توسط دو کشور شناسایی شد؛ از این رو، در این بند که در چهار قسمت تنظیم شده است، اقدامات جانب‌دارانه شورای امنیت در مقابل جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران تا صدور قطعنامه ۵۹۸ بررسی می‌شود.

بخش اول: اشغال خاک ایران از سوی رژیم بعث عراق و عدم تمایل شورا به پایان جنگ

رژیم بعث عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هجری شمسی تهاجمی گسترده علیه ایران آغاز کرد و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ایران را مورد تعرض قرار داد (Cordesman, 1987: XIV). رژیم بعث عراق با استفاده از دوازده لشکر زرهی، مکانیزه و پیاده در ۵۵۰ کیلومتر از مرز، تهاجم گسترده‌ای علیه ایران آغاز کرد و مراکز نظامی و اقتصادی مستقر در تهران، اصفهان، کرمانشاه، تبریز، همدان، بوشهر، شیراز، آبادان و اهواز را هدف قرار داد. به همین دلیل، دبیرکل در ۲۲ سپتامبر

۱۹۸۰ میلادی (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هجری شمسی) با صدور اعلامیه‌ای به دولت‌های ایران و رژیم بعث عراق پیشنهاد داد، به او اجازه دهند تا تمام تلاش خود را در حل مسالمت‌آمیز روابط میان دو کشور به کار گیرد^۱؛ اما، پاسخی از دو کشور پاسخی دریافت نکرد.

وی فردای آن روز، براساس ماده ۹۹ منشور ملل متحد^۲ طی نامه‌ای^۳ از رئیس شورای امنیت خواست با توجه به احتمال افزایش درگیری میان دو کشور، جلسه‌ای برای مذاکره پیرامون جنگ تشکیل دهد^۴. این جلسه در همان روز تشکیل و نخستین بیانیه شورای امنیت صادر شد^۵. دبیرکل در این جلسه شورا^۶، نگرانی عمیق خود را از گسترش احتمالی این برخورد^۷ ابراز داشت. رژیم بعث عراق در پاسخ به نامه دبیرکل درباره بیانیه ۲۳ سپتامبر شورای امنیت، تمایل خود را مبنی بر پذیرش آتش‌بس اعلام نمود^۸؛ اما، ایران از پاسخ به آن خودداری کرد.

به دنبال این وضعیت، دبیرکل در ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی (۳ مهر ۱۳۵۹ هجری شمسی) از مسئولان شورای امنیت خواست تا مسئله جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران را به فوریت بررسی نمایند^۹. روز بعد، هم‌زمان با پیشنهاد نمایندگان نروژ و مکزیک، شورای امنیت جلسه‌ای تشکیل داد^{۱۰} (علائی، ۱۳۶۷: ۱۴۲). وی در آغاز جلسه شورای امنیت، خلاصه اقداماتی که درباره منازعه

1. United Nations Press release. IR/10/19 Aug. 1988. p. 1.

۲. این ماده اذعان می‌دارد، رئیس دبیرخانه (دبیرکل) می‌تواند در هر امری که به نظر او خطری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد، توجه شورای امنیت را جلب نماید.

۳. متن نامه از این قرار بود: من از گسترش اختلاف میان ایران و رژیم بعث عراق به شدت نگران هستم و به عقیده من تهدیدی جدی و بالقوه برای صلح و امنیت بین‌المللی است. با توجه به خطراتی که به طور اجتناب‌ناپذیر از گسترش بیشتر این اختلاف به وجود خواهد آمد، احساس می‌کنم ضرورت دارد که به عنوان گام نخست، اعضای شورای امنیت برای مشاوره دعوت شوند.

4. S/14196. 23 Sep. 1980.

5. S/14190. 23 Sep. 1980.

۶. رئیس شورای امنیت در آن زمان، تائب سلیم، نماینده تونس بود.

۷. شورای امنیت، جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران را تجاوز تلقی نکرد؛ بلکه، آن را «برخورد» و «منازعه» نامید که به درگیری‌های پایین‌تر از تجاوز اطلاق می‌شود. این شیوه، در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های بعدی شورای امنیت تکرار شد. در حالی که، رژیم بعث عراق به این معترف بود که به منظور اعاده حاکمیت رژیم بعث عراق بر کل سرزمینش، به نیروی نظامی متوسل شده است.

S. C. Official Records, 35 the yr. 2252 nd. Mtg. Para. 60.

8. S/14199- 23 Sep. 1980.

9. S/14197. 25 Sep. 1980.

10. S/14198. 26 Sep. 1980.

ایران و رژیم بعث عراق انجام شده بود، به اطلاع رساند و از اعضای این شورا خواست تا به وظیفه خود در حفظ صلح و امنیت جهانی عمل نمایند.

در انتهای این جلسه قطعنامه^۱ ۴۷۹ صادر شد. شورای امنیت با اطلاق واژه وضعیت به این جنگ، آن را در شرایطی دانست که ممکن است زمینه اختلاف جهانی را فراهم آورد. این قطعنامه که توسط نماینده مکزیک به شورای امنیت ارائه شد^۲، فاقد راهکار مؤثری برای خاتمه جنگ بود. از نکات قابل توجه در این قطعنامه، تضاد و تعارضی است که در بیان شورای امنیت وجود داشت؛ زیرا، پاراگراف سوم بخش مقدماتی این قطعنامه به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات کشورهای درگیر جنگ اشاره داشت و به‌طور غیرمستقیم فصل ششم منشور سازمان ملل متحد را مبنای صدور قطعنامه قرار می‌داد. از سوی دیگر در پاراگراف چهارم به ممنوعیت کاربرد زور علیه تمامیت ارضی کشورها اشاره می‌شد. این پاراگراف به‌صورت غیرمستقیم شورای امنیت را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا، با وجود تعدی رژیم بعث عراق به تمامیت ارضی ایران، این شورای هنوز در قالب فصل ششم منشور ملل متحد فعالیت می‌نمود (Brownlie, 1995: 197). در پایان جلسه، دبیرکل از ایران و رژیم بعث عراق تقاضا کرد تا به قطعنامه^۳ ۴۷۹ پاسخ مثبت دهند. در پی این تقاضا، صدام حسین در ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی (۷ مهر ۱۳۵۹ هجری شمسی) با ارسال نامه‌ای^۴ نظر مساعد خود را درخصوص قطعنامه به اطلاع دبیرکل رساند (پارسادوست، ۱۳۷۱: ۵۶). در این زمان، مسئولان ایرانی اعلام کردند، تا تجاوزهای رژیم بعث عراق علیه ایران ادامه دارد، قطعنامه را قبول نخواهد کرد^۵.

نخستین واکنش سازمان ملل در برابر جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، مبین عدم تمایل سازمان به کاربرد نظام امنیت جمعی است (Joyner, 1990: 192). پس از صدور این قطعنامه، شورای امنیت در سکوتی سنگین و طولانی فرو رفت که با پیشروی رژیم بعث عراق در خاک ایران، تحکیم مواضع و حمله موشکی رژیم بعث به شهرهای ایران همراه بود؛ اما، عملیات‌های

1. Security Council Documents. Res/479. 28 September 1980.

2. S/14201. 26 Sep. 1980.

3. S/14203. 29 Sep. 1980.

4. S. C. official records. Op. Cit. Para. 87.

بزرگ و پیروزمندانه ایران^۱ شورای امنیت را مجبور کرد تا در جلسه ۲۳۸۳ که در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ میلادی (۲۱ تیر ۱۳۶۱ هجری شمسی) برگزار شد، قطعنامه ۵۱۴^۲ را درباره جنگ صادر کند^۳. براساس این قطعنامه، دبیرکل مأمور شد تا سه ماه پس از صدور قطعنامه، گزارشی در مورد پیشرفت اجرایی آن تهیه نماید. وی در ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ میلادی (۲۴ تیر ۱۳۶۱ هجری شمسی) گزارش^۴ خود را بر پذیرش قطعنامه ۵۱۴ از سوی رژیم بعث عراق (رهبران این رژیم یک روز پس از تصویب قطعنامه یعنی ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۲ میلادی، موافقت خود را به اطلاع دبیرکل رساندند) و رد آن توسط ایران^۵، تسلیم شورای امنیت نمود^۶.

به دنبال آن و براساس تقاضای اول اکتبر ۱۹۸۲ میلادی^۷ (۹ مهر ۱۳۶۱ هجری شمسی)، نماینده رژیم بعث عراق در سازمان ملل متحد و شورای امنیت تشکیل جلسه داد (پارسادوست،

۱. در عملیات‌های ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس بخش‌هایی از جنوب خاک ایران که تحت محاصره نیروهای نیروهای رژیم بعث عراق قرار داشت، آزاد شد. پیروزی‌های متعدد ایرانیان، موازنه جنگ را به نفع رزمندگان ایرانی تغییر داد. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: حمیدی‌نیا، حسین (۱۳۸۱). دلایل نظامی شکست رژیم بعث عراق در چهار عملیات ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، نشریه نگین/ایران، شماره اول، ۳۴-۲۴.

2. Security Council Documents. Res/514. 12 July 1982.

۳. این قطعنامه به اتفاق آرا به تصویب رسید. در این قطعنامه، ضمن ابراز نگرانی از ادامه وضعیت میان ایران و رژیم بعث عراق، به خسارات مادی، معنوی و تهدیدهای صلح اشاره شد. از نکات جدیدی این قطعنامه، یادآوری قطعنامه ۴۷۹ و توجه به کوشش‌های میانجیگرانه دبیرکل، جنبش عدم‌تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی است. همچنین، این قطعنامه خواستار آتش‌بس و خاتمه فوری کلیه عملیات‌های نظامی، عقب‌نشینی نیروهای نظامی به مرزهای شناخته‌شده جهانی، هماهنگی میان کوشش میانجیگرانه دبیرکل برای دستیابی به راهکاری جامع، پرهیز کلیه کشورها از اقدامات تشدیدکننده درگیری و اعزام گروهی از ناظران سازمان ملل متحد برای تحکیم و نظارت بر آتش‌بس شد. لازم به ذکر است، بازگشت به مرزهای بین‌المللی زمانی از سوی شورای امنیت مطرح شد که رزمندگان ایران در نقاط جنوبی به مرزهای بین‌المللی رسیده بودند و بیشتر نقاط مهم ایران از محاصره نیروهای رژیم بعث عراقی خارج شده بود. ابراز نگرانی شورا از مناقشه در حقیقت، به افزایش توان دفاعی ایران و نه نگرانی از طولانی مناقشه بین دو کشور بازمی‌گردد. بندهای اول و دوم این قطعنامه با محتوای درخواست آتش‌بس و خاتمه فوری کلیه عملیات نظامی، عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته‌شده جهانی، به دنبال اعتراض‌های به حق ایران نسبت به قطعنامه ۴۷۹ پدید آمد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Dekker, F. I., & Post, H. H. G. (1992) The Gulf war of 1980- 1988, Martinus Nijhoff, P. 74.

4. S/15293. 15 July. 1982.

۵. پس از صدور قطعنامه ۵۱۴، ایران شورای امنیت را تحریم و در جلسات آن شرکت نکرد. برای اطلاعات بیشتر به روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۰۳/۲۵ صفحه ۴ مراجعه کنید.

۶. در همان روز رئیس شورای امنیت، یانیه‌ای منتشر کرد و در آن نگرانی شورای امنیت از عدم‌اجرای قطعنامه ۵۱۴ را مطرح کرد و خواستار حل مسالمت‌آمیز منازعه ایران و رژیم بعث عراق شد. این بیانیه توسط ایران رد شد. S/15296. 15 July. 1982.

7. S/15443. 1 Oct. 1982.

۱۳۷۱: ۹۰). وی در جلسه ۲۳۹۹ که در ۴ اکتبر ۱۹۸۲ میلادی (۱۲ مهر ۱۳۶۱ هجری شمسی) برگزار شد، قطعنامه ۵۲۲^۱ را به تصویب رساند. پس از تصویب این قطعنامه، رژیم بعث عراق موافقت خود را به دبیرکل اعلام نمود؛ اما، دولت ایران ضمن اعتراض به مفاد آن، از پذیرش قطعنامه خودداری نمود^۲. شورای امنیت، به صورت کورکورانه عبارت «وضعیت میان ایران و رژیم بعث عراق» را در سرفصل این قطعنامه قرار داده بود؛ در حالی که، در همین قطعنامه اذعان شده بود که مناقشه میان دو کشور منجر به خسارات جانی و اقتصادی بسیاری شده است. این توصیف، مطابقتی با عنوان قطعنامه نداشت (Kaikobad, 1992: 327).

در ادامه جنگ، رزمندگان ایرانی سلسله عملیات بزرگ والفجر را انجام دادند که شورای امنیت، متأثر از عملیات‌های موفقیت‌آمیز نیروهای مسلح ایران برای صدور قطعنامه جدید (هدایتی خمینی، ۱۳۷۰: ۹۵-۹۴)، جلسه شماره ۲۴۹۳ را در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ میلادی (۹ آبان ۱۳۶۲ هجری شمسی) تشکیل داد. در این جلسه، قطعنامه ۵۴۰^۳ با دوازده رأی موافق و سه رأی ممتنع (پاکستان، نیکاراگوئه و مالت) به تصویب رسید^۴. سپس، دبیرکل، در ۱۱ دسامبر همان سال، موضع مخالف ایران و موافق رژیم بعث عراق^۵ را در خصوص قطعنامه ۵۴۰، به اطلاع شورای امنیت رساند^۶.

1. Security Council Documents. Res/522.4 October 1982.

۲. در این قطعنامه، همانند گذشته، ابتدا نسبت به ادامه مناقشه و خسارات سنگین انسانی و تهدیدهای متوجه صلح و امنیت بین‌المللی ابراز تأسف شد. سپس، با تأیید بر قطعنامه‌ها گذشته و گزارش ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ میلادی، شورا خواستار آتش‌بس فوری و بازگشت نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده جهانی شد. شورای امنیت، به صورت تلویحی از اقدام رژیم بعث عراق در پذیرش قطعنامه استقبال و از ایران خواست که اقدام مشابه انجام دهد. شورا بر اجرای بدون تأخیر تصمیم خویش مبنی بر اعزام گروه ناظران سازمان ملل متحد و لزوم ادامه کوشش‌های میانجیگرانه تأکید ورزید. شورا، از کشورها خواست از اقداماتی که باعث تشدید جنگ می‌شود، پرهیز نمایند و زمینه اجرای قطعنامه را فراهم آورند.

3. Security Council Documents. Res/540. 31 October 1983.

۴. در این قطعنامه، مطابق شیوه قبلی شورای امنیت، بر قطعنامه‌ها و بیانه‌های گذشته شورا تأکید شد؛ اما، قطعنامه ۵۴۰ حاوی نکات جدیدی همانند محکوم ساختن نقض حقوق بشر دوستانه مغایر با کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، درخواست رعایت حق کشمیرانی و بازگانی در آب‌های بین‌المللی و پرهیز از حمله به بنادر دور از ساحل بود.

5. S/ 16103. 3 Nov. 1983.

6. United Nations Press Release. Op. Cit. p. 4.

به‌دنبال شکایت شورای همکاری خلیج‌فارس^۱ در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۸۴ میلادی (۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۳ هجری شمسی) نسبت به نقض آزادی کشتی‌رانی از سوی ایران در حمله به کشتی‌ها در خلیج‌فارس^۲، در جلسه ۲۵۴۶ شورای امنیت که در تاریخ اول ژوئن ۱۹۸۴ میلادی (۱۱ خرداد ۱۳۶۳ هجری شمسی) برگزار شد، قطعنامه ۳۵۵۲ با سیزده رأی موافق و دو رأی ممتنع، تصویب شد. این قطعنامه اشاره خاصی به آتش‌بس یا صلح میان دو کشور ایران و رژیم بعث عراق نداشت و محدود به رعایت حق آزادی کشتی‌رانی بود.

با انجام عملیات والفجر ۸ که در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ هجری شمسی نیروهای ایرانی توانستند، وارد قسمت‌هایی از فاو شوند. این اتفاق باعث قطع ارتباط دریایی رژیم بعث عراق، نزدیکی نیروهای ایرانی به بصره و مرزهای کویت شد. به‌دنبال این اتفاق، رژیم بعث عراق و اتحادیه عرب^۳ از شورای امنیت درخواست تشکیل جلسه نمودند (فتحی، ۱۳۶۹: ۱۱۶). شورای امنیت در جلسه شماره ۲۶۶۶ که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ میلادی (۵ اسفند ۱۳۶۴ هجری شمسی) برگزار شد، قطعنامه ۵۸۲ را تصویب نمود. این قطعنامه، موردپذیرش رژیم بعث عراق^۴ و رد ایران قرار گرفت. در این قطعنامه، شورا از اقدامات اولیه‌ای که منجر به منازعه شده بود، ابراز تأسف کرد و گامی برای تأمین خواسته‌های ایران برداشت (Dekker & Post, 1992: 75).

آخرین قطعنامه‌ای که پیش از قطعنامه مهم ۵۹۸ صادر شد، قطعنامه ۵۸۸ بود. شورای امنیت به درخواست اتحادیه عرب^۵ در نخستین روز اکتبر ۱۹۸۶ میلادی (۸ مهر ۱۳۶۵ هجری شمسی)

۱. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در دوران جنگ، حمایت‌های بسیاری از رژیم بعث عراق انجام دادند. به‌طوری‌که، اگر کشورهای همانند کویت و عربستان از رژیم بعث عراق حمایت نمی‌کردند، اضمحلال و شکست اقتصادی و نظامی رژیم بعث عراق اجتناب‌ناپذیر بود. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Rashid, N. I. & Esber, I. S. (1992) *Saudi Arabia and Gulf war*, India: International Institute of Technology Inc, P. 127.

۲. این قطعنامه، به‌دنبال انتساب حمله ایران به کشتی‌ها و شکایت شورای همکاری خلیج فارس صادر شد. در این قطعنامه، شورا بدون استفاده از گروه تحقیق و تنها براساس شکایت بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در بند چهارم قطعنامه، حمله به کشتی‌های بازرگانی را محکوم کرد.

3. Security Council Documents. Res/552.1 June 1984.

۴. اتحادیه عرب، شامل تعداد زیادی از کشورهای عربی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی برای ایجاد هماهنگی و همکاری‌های مختلف بین اعضای آن ایجاد شد. S/17859. 21 Feb. 1986.

5. Security Council Documents. Res/582. 24 February 1986.

6. S/17897. 5 March. 1986.

7. S/18372. 30 Sep. 1986.

جلسه‌ای با موضوع درگیری رژیم بعث عراق و ایران تشکیل داد. در جلسه ۳ اکتبر میلادی، دبیرکل نگرانی عمیق جامعه جهانی را از روند ادامه و توسعه جنگ اذعان داشت. سرانجام شورای امنیت در جلسه شماره ۲۷۱۳ که در تاریخ ۸ اکتبر ۱۹۸۶ میلادی (۱۶ مهر ۱۳۶۵ هجری شمسی) تشکیل شد، قطعنامه ۵۸۸ را صادر نمود.^۱

این قطعنامه توسط رهبران رژیم بعث عراق^۲ پذیرفته شد؛ اما، رهبران ایرانی از پذیرش آن امتناع کردند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت بستگی زیادی به صحنه نبرد و درگیری داشت. هنگامی که، نیروهای متجاوز رژیم بعث عراقی در حال پیشروی و تعدی به خاک ایران بودند، شورای امنیت سکوت را ترجیح می‌داد؛ اما، به محض پیشروی نیروهای ایرانی در صحنه‌های نبرد، شورای امنیت به وظیفه خطیر خویش در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی متعهد می‌شد و با صدور قطعنامه، دو کشور را به آتش‌بس دعوت می‌کرد. در بخش دوم، به بررسی صدور قطعنامه ۵۹۸ همزمان با برتری نظامی ایران در صحنه نبرد پرداخته می‌شود.

بخش دوم: برتری نظامی ایران و تمایل شورای امنیت به آتش‌بس و صدور قطعنامه ۵۹۸
در فاصله صدور قطعنامه‌های ۵۸۸ تا ۵۹۸، عملیات‌های متعددی در جبهه‌های جنگ انجام شد که مهم‌ترین آن‌ها، سلسله عملیات‌های فتح، کربلا و نصر بود. تمامی عملیات‌های مذکور در داخل خاک رژیم بعث انجام شدند و اغلب با موفقیت همراه بودند. با پیشروی ایران به سوی بصره و افزایش تهدیدها نسبت به رژیم بعث عراق، حساسیت شورای امنیت بیشتر شد. در ۸ ژانویه ۱۹۸۷ میلادی، ایران تلاش کرد تا پیروزی‌های گذشته خود را تثبیت نماید.

این تصمیم از طریق عملیات کربلا ممکن شد؛ زیرا، این عملیات باعث نابودی خطوط دفاعی خارج از بصره شد. این عملیات با تلاش نیروهای رژیم بعث عراق پس از تحمل دو هفته

۱. Security Council Documents. Res/588. 8 October 1986.

۲. شورای امنیت در دو قطعنامه ۵۵۲ و ۵۸۲ به قطعنامه‌ها و بیانیه‌های گذشته خویش اشاره‌ای نکرد و این روند در قطعنامه ۵۸۸ ادامه داشت؛ اما، در این قطعنامه، از مسئولان ایران و رژیم بعث عراق خواسته شد، بدون درنگ قطعنامه ۵۸۲ را اجرا نمایند. همچنین، از دبیرکل درخواست شد، با مشورت طرفین منازعه، بر شدت فعالیت‌هایش در اجرای قطعنامه بیفزاید. این قطعنامه به استثنای نکات مذکور، فاقد مطلب نوین دیگری بود.

۳. S/18480. 26 Nov. 1986.

خسارت‌های سنگین، متوقف شد. ناکامی این حمله با هزینه‌های فراوانش، انگیزه‌ای برای بازنگری سیاست‌های راهبردی ایرانی در شکست رژیم بعث عراق شد؛^۱ با این وجود، برخی از رهبران منطقه‌ای و جهان که قدرت نظامی ایران را تا پیش از سال ۱۹۸۶ میلادی ضعیف در نظر می‌گرفتند، به اغراق‌گویی در توانمندی‌های نظامی ایران روی آوردند.

با گسترش دامنه جنگ، دبیرکل سازمان ملل متحد دریافت که باید با تلاش بیشتری راهکار نوینی برای پایان جنگ ارائه دهد؛ به همین دلیل، وی که از جنایات رژیم بعث عراق وحشت‌زده بود، وزرای خارجه شورای امنیت را در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۷ میلادی فراخواند. تشکیل این جلسه با پیروزی رزمندگان ایرانی در میدان‌های نبرد و افزایش نگرانی ابرقدرت‌ها از پیروزی ایرانیان همراه بود. این وضعیت منجر به صدور قطعنامه جدیدی شد که مقدمه‌ای برای پایان جنگ بود. در بخش سوم، به تشریح کامل این مبحث پرداخته می‌شود.

بخش سوم: فضای متفاوت حاکم بر شورای امنیت در زمان صدور قطعنامه ۵۹۸

در سال ۱۹۸۷ میلادی، تغییرات آشکاری در فضای شورای امنیت پدید آمد. این دوره همزمان با ذوب شدن یخ‌های جنگ سرد، ترمیم روابط چین و اتحاد جماهیر شوروی و افزایش احتمال همکاری آنان بود. از سوی دیگر، در آغاز این سال میلادی، تحول مهمی در داخل اعضای غیردائم شورای امنیت به وجود آمد و پنج کشور همانند ایتالیا، ژاپن و آلمان غربی به این شورا راه یافتند؛ با وجود اینکه، نمایندگان دولت‌های غیرمتعهد در شورای امنیت تا ۶ عضو کاهش یافته بود، کشورهای صنعتی، روابط تجاری و سیاسی خوبی با دو کشور ایران و رژیم بعث عراق داشتند.^۲

حضور این سه کشور که از نفوذ جهانی برخوردار بودند و مواضع آن‌ها در میان اعضای غیردائم، بی‌طرفانه به‌شمار می‌آمد، باعث باورپذیری شورای امنیت از نظر رهبران ایرانی شد. از طرفی هم‌زمان با این تغییرات، دبیرکل سازمان ملل متحد اطمینان یافته بود که خواسته‌های ایران برای اتمام جنگ تا حدودی تأمین شده است. سخنرانی پرز دکوئیار در کنفرانس اسلامی کویت

۱. در ۹ فوریه ۱۹۸۷ میلادی، اکبر هاشمی‌فسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، نیاز به یک استراتژی جدید در رابطه با جنگ را احساس کرد و به‌طور موجز گفت: «ما درحقیقت، افق امیدوارکننده‌ای در رابطه با اتمام جنگ و وضعیت کنونی‌اش نمی‌بینیم». برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Ramazani, R. K. (1990), *Iran's Resistance to the U.S. Intervention in the Persian Gulf. In Neither East nor West: Iran, the Soviet Union, and the United States*, USA: Yale University Press, PP. 48- 49.

۲. آلمان غربی، ژاپن و ایتالیا از صادرکنندگان بزرگ کالاهای غیرنظامی به ایران بودند.

(۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ میلادی) نشان می‌داد، رهبران ایرانی مهم‌ترین عامل برای ایجاد صلح را معرفی قطعی آغازگر جنگ می‌دانند؛ از این رو، دبیرکل پیشنهاد کرد به‌جای ارائه راهکاری برای آتش‌بس، آغازگر جنگ توسط شورای امنیت معرفی شود (الکواری، ۱۳۸۷: ۳۴۵-۳۴۲). در نهایت، رایزنی‌های پیچیده و اغلب محرمانه توسط شورای امنیت انجام شد که نتیجه آن صدور قطعنامه ۵۹۸ در جلسه ۲۷۵۰ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ میلادی) بود.^۲

این قطعنامه، مهم‌ترین قطعنامه‌ای است که در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران با دقت بیشتری صادر شد. به‌منظور تأکید شورای امنیت بر جدی‌بودن این قطعنامه، وزرای خارجه چند کشور همانند فرانسه (نماینده این کشور ریاست شورای امنیت را بر عهده داشت)، آرژانتین، جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا، امارات متحده عربی، بریتانیا، آمریکا و ژاپن سخنرانی نمودند. در بخش چهارم، فرآیند اجرایی شدن قطعنامه ۵۹۸ و اقدامات دبیرکل پس از تصویب این قطعنامه بررسی می‌شود.

بخش چهارم: اقدامات دبیرکل پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸

دبیرکل در روز تصویب قطعنامه، سخنرانی به شرح ذیل ایراد کرد: «این قطعنامه اوج تلاش‌های شورای امنیت برای پایان بخشیدن به منازعه ایران و رژیم بعث عراق است. به‌همین دلیل ضرورت دارد، تمامی سیاست‌ها برای پایان یافتن این منازعه با مواضع شورای امنیت هماهنگ شود. همچنین، باید با مشورت دو دولت درگیر و کشورهای هم‌جوار، اقداماتی برای افزایش امنیت و ثبات منطقه اندیشیده شود». وی در ادامه سخنرانی خود افزود، «تعیین گروهی برای تعیین آغازگر جنگ، هدف اصلی شورای امنیت است»^۳. سپس، در ادامه، متن قطعنامه ۵۹۸ را برای وزرای خارجه دو کشور فرستاد و خواستار پاسخ آنان شد.

مسئولان ایرانی پس از گذشت یک روز، به آن جواب «نه رد و نه تأیید» دادند؛ زیرا، در این قطعنامه مطالبی جهت اعلام متجاوز وجود نداشت و فقط به اظهار تأسف اکتفا شده بود. این

1. Security Council Documents. Res/598. 20 July 1987.

2. S/18983. 20 July. 1987.

3. SG/SM/4019. 20 July. 1987.

قطعه‌نامه، توسط مسئولان رژیم بعث عراقی^۱ توسط پذیرفته شد^۲. دبیرکل از ۱۴-۱۱ سپتامبر ۱۹۸۷ میلادی (۲۲-۱۹ شهریور ۱۳۶۶ هجری شمسی) به تهران و بغداد سفر کرد تا با رؤسای جمهور دو کشور دیدار کند. وی در این سفر کوشید، نظرات رهبران دو کشور را به یکدیگر نزدیک نماید.

وی بار دیگر با رئیس‌جمهور وقت ایران در نیویورک ملاقات کرد و در خصوص قطعه‌نامه ۵۹۸ به مذاکره پرداخت^۳. به دنبال این دیدار، دبیرکل از بیست‌وشش سپتامبر تا ده اکتبر (۱۸-۴ مهر) به ترتیب با معاون وزارت خارجه ایران، مدیرکل امور بین‌الملل وزارت خارجه ایران، وزرای خارجه پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و وزیر خارجه رژیم بعث عراق دیدار نمود. این دیدارها منجر به ارائه طرح اجرایی توسط دبیرکل در ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) به شورای امنیت و سپس، در ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر) به وزرای امور خارجه ایران و رژیم بعث عراق شد.

براساس این طرح، برای اجرای کامل قطعه‌نامه ۵۹۸، دو کشور باید این قطعه‌نامه را به‌طور کامل بپذیرند. دوم، هیچ یک از بندهای قطعه‌نامه بر دیگری اولویت ندارد و در روز برقراری آتش‌بس، هیئتی بی‌طرف، مسئولیت بررسی منازعه را شروع خواهد کرد. سوم، پس از برقراری آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروهای نظامی به مرزهای شناخته‌شده جهانی آغاز شود (جمشیدی، ۱۳۷۴: ۱۱۴)^۴. در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۷ میلادی (۱۸ آذر ۱۳۶۶ هجری شمسی) دبیرکل مطابق نظرات

۱. در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۷ میلادی، به دستور صدام حسین، اجلاس مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری حزب بعث برای بررسی قطعه‌نامه ۵۹۸ تشکیل شد. در این جلسه، آمادگی رژیم بعث عراق برای پذیرش قطعه‌نامه و همکاری با دبیرکل و شورای امنیت برای حل جامع، عادلانه، پایدار و شرافتمندانه منازعه اعلام شد. در نهایت آمادگی ایران برای پذیرش کامل و با حسن‌نیت قطعه‌نامه، شرط اساسی التزام رژیم بعث عراق به قطعه‌نامه عنوان شد. در این جلسه موضع مذکور توسط وزیر امور خارجه رژیم بعث عراق به دبیرکل و شورای امنیت اعلام شد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

INA (Iraq News Agency). 22 July 1987 (From Baghdad). No. 2.

2. United Nations Press Release. Op. Cit. p. 9.

۳. در این زمان، رئیس‌جمهور وقت ایران (آیت‌الله خامنه‌ای) برای شرکت در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی در نیویورک حضور داشت. این مجمع در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۷ میلادی (اول مهر ۱۳۶۶ هجری شمسی) برگزار شد.

۴. دو بند اخیر اگرچه در قطعه‌نامه ۵۹۸ مطرح شد؛ اما، دبیرکل با برابر قراردادن بندهای قطعه‌نامه و تفکیک آتش‌بس از عقب‌نشینی، دست به ابتکار جدیدی زد و زمینه را برای اجرای قطعه‌نامه فراهم نمود.

موافق ایران و مخالف رژیم بعث عراق در خصوص طرح اجرایی^۱، خواستار تحرک جدیدی از سوی شورای امنیت برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شد.

شورای امنیت در ۱۱ دسامبر (۱۹ آذر) بر تعهد و پایبندی شورای امنیت بر قطعنامه ۵۹۸ تأکید کرد و آن را تنها وسیله دستیابی به حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه منازعه دانست. در سال ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۷ هجری شمسی) دبیرکل همچنان به فعالیت خویش برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ و ایجاد صلح میان ایران و رژیم بعث عراق ادامه داد.

وی از آغاز سال میلادی تا ۱۷ ژوئیه (۲۶ تیر) (زمان پذیرش قطعنامه از سوی ایران) بیشتر از هشت مرتبه با رهبران رژیم بعث عراقی و شانزده مرتبه با نمایندگان دولت ایران، دیدار و مذاکره کرد؛ زیرا، مقامات ایرانی برخلاف فرماندهان رژیم بعث عراقی، قطعنامه را به طور کامل نمی پذیرفتند. در واقع، دبیرکل در تلاش بود ایرانیان را به پذیرش کامل قطعنامه ترغیب نماید. این قطعنامه از ابتدای صدور، مورد انتقاد رهبران ایران بود؛ زیرا، به تعیین مسئول و آغازگر جنگ اشاره‌ای نشده بود و این عامل باعث می شد که ایران موضع نه تأیید و نه رد داشته باشد.

در بند دوم، ضمن مرور موضع گیری‌های شفاف رهبران ایرانی در روند تصویب قطعنامه و دلایل پذیرش آن، شیوه تعیین آغازگر جنگ و گزارش پایانی دبیرکل در رابطه با بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ بررسی می شود.

بند دوم: موضع ایران در برابر قطعنامه ۵۹۸ و نقش دبیرکل در احراز متجاوز و مسئول جنگ
پس از بازپس گیری مناطق اشغالی از رژیم بعث عراق و پیشروی رزمندگان ایرانی در خاک عراق، شورای امنیت با تشکیل جلسه‌های متعدد اعضای دائمی، قطعنامه ۵۹۸ را تصویب نمود. اعضای دائم این شورا پس از دریافت نتیجه، متن پیش نویسی در اختیار نمایندگان ده کشور عضو غیردائم شورای امنیت قرار دادند تا موافقت آنان را جلب نمایند.

درواقع، مهم ترین هدف اعضای دائم تصویب قطعنامه‌ای با بیشترین آرا بود که از اعتبار اجرایی بالایی برخوردار باشد (زمانی و منصوری لاریجانی، ۱۳۷۸: ۱۵۳)؛ از این رو، ضمن اذعان برخی از کوتاهی‌های گذشته، شورای امنیت واژه «وضعیت» را به ماهیت «جنگ» تغییر داد. به

۱. زمانی که، ایران به قطعنامه ۵۹۸ جواب نه رد و نه قبول داده بود، رژیم بعث عراق آن را پذیرفته بود.

عقیده اعضای شورای امنیت، در این قضیه «نقض صلح» یا همان تجاوز اتفاق افتاده است و «دومین مرتبه^۱ در تاریخ فعالیت شورای امنیت بود که به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور استناد می‌شد» (ممتاز، ۱۳۷۶ الف: ۶۸)؛ باین‌حال، شورای امنیت تحت تأثیر فضای سیاسی (فلسفی، ۱۳۶۹: ۹۱) از نگرشی که مقتضای حقوق جهانی است، انصراف نمود و مسائل آتش‌بس، بازگشت به مرزهای بین‌المللی، آزادسازی اسرا، مسئله وقوع جنگ و تعیین آغازگر جنگ را به‌صورت دومرحله‌ای، از طریق اقدامات زیر نظر دبیرکل، پیش‌بینی نمود (شریف، ۱۳۷۳: ۱۴۶-۹۳).

در بند دوم، موضع‌گیری و دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران، اعتبارسنجی گزارش دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد در خصوص بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ در رابطه با تعیین متجاوز و آغازگر جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران به تفصیل بررسی خواهد شد.

بخش اول: موضع‌گیری ایران در رابطه با قطعنامه ۵۹۸ و دلایل پذیرش آن

پس از مذاکرات متعدد، قطعنامه ۵۹۸ به تصویب رسید. از میان تمام قطعنامه‌هایی که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شد، قطعنامه ۵۹۸ متوازن‌ترین آن‌ها از جنبه حقوقی و سیاسی بود. شورای امنیت، در این قطعنامه برخلاف گذشته، به نقض صلح و اقدام براساس ماده ۳۹ و ۴۰ فصل هفتم منشور ملل متحد و در پایان به گام‌های ضروری برای اجرای آن، یعنی توسل به ماده ۴۱ و ۴۲ اشاره نمود (کاظمی، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۳).

جامعه بین‌المللی که از پاسخ مثبت رژیم بعث عراق و موضع‌گیری ناعادلانه شورای امنیت اطمینان داشت، در انتظار پاسخ مسئولان ایرانی به این قطعنامه بود. آیا ایران همانند گذشته و بدون در نظر گرفتن اعتبار برتر قطعنامه ۵۹۸ آن را رد خواهد نمود؟ پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، رژیم بعث عراق با خرسندی فراوان از اینکه شورای امنیت با درک وضعیت خطیر و بحران آن کشور به فصل هفتم توسل جسته است، اعلام نمود که اگر ایران قطعنامه را بپذیرد، رژیم بعث عراق با آن موافق است.^۲

۱. شورای امنیت در ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۸، برای نخستین مرتبه در صدور قطعنامه ۵۴ (قضیه فلسطین)، به ماده ۳۹ استناد کرد: Security Council Documents. Res/54. 15 July 1948.
 ۲. پاسخ رسمی رژیم بعث عراق به قطعنامه ۵۹۸ در تاریخ ۱۴ اوت به دبیرکل اعلام شد. در پاسخ آمده بود، «رژیم بعث عراق از قطعنامه ۵۹۸ استقبال می‌نماید و آماده همکاری با دبیرکل است». برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: United Nations Press Release. Op. Cit. p. 9.

برخلاف گذشته و انتظار بسیاری از مقامات کشورهای گوناگون، به ویژه آمریکا، مسئولان ایرانی این قطعنامه را به طور مستقیم رد نکردند؛ اما، در نامه‌هایی که به دبیرکل ارسال کردند، خواستار توضیح درباره چگونگی اجرای آن شدند. به جرأت می‌توان ادعان داشت، مقاومت سرسختانه نیروهای ایرانی در برابر متجاوزین رژیم بعث عراقی، باعث تعدیل مواضع جانب‌دارانه شورای امنیت شد. در ۲۲ مرداد ۱۳۶۶ هجری شمسی، پاسخ مبسوط جمهوری اسلامی ایران به قطعنامه ۵۹۸ منتشر شد و این نکته را آشکار نمود که ایران قطعنامه ۵۹۸ را نه رد و نه قبول می‌کند.^۱ اکبر هاشمی رفسنجانی، سخنگوی شورای عالی دفاع، درباره این موضع ایران اظهار داشت، «تاکنون جهت‌گیری‌های ناعادلانه شورای امنیت باعث رد قطعنامه‌های این شورا شده است؛ اما، در قطعنامه ۵۹۸ نکات مثبتی وجود دارد، آماده‌ایم پیرامون آن مذاکره کنیم. جمهوری اسلامی ایران این قطعنامه را رد نمی‌کند؛ اما، آن را نیازمند بحث می‌داند. شناسایی متجاوز و محکوم کردن حمله‌های شیمیایی، حمله به نقاط مسکونی، حمله به کشتی‌ها، معرفی اقدامات ناقض معاهده‌های بین‌المللی و منع دخالت کشورهای دیگر در جنگ، از نکات مثبت این قطعنامه است؛ اما، نکته منفی آن است که پیش از تعیین متجاوز و محاکمه آن، آتش‌بس اعلام می‌شود. این بند از نظر تمامی مسئولان ایرانی غیرقابل قبول است. بند مربوط به معرفی متجاوز می‌تواند تنها کلید حل مسئله باشد و این نکته باید پیش از اعلام آتش‌بس، انجام شود. در این صورت، زمینه برای انجام صلح هموار خواهد شد»^۲.

در حالی که، مسئولان رژیم بعث عراق خواستار پذیرش بدون شرط قطعنامه ۵۹۸ از سوی طرفین بودند. از سوی دیگر، مسئولان این رژیم هرگز نمی‌پنداشتند که یک کشور بتواند قطعنامه شورای امنیت را بدون مبنای حقوقی، نه بپذیرد و نه رد نماید.^۳ به همین دلیل، مسئولان رژیم بعث عراق از شورای امنیت درخواست کردند که با راهکار پیشنهادی ایران مخالفت شود.

از نظر مسئولان ایرانی، مسئله تجاوز و تعیین متجاوزگر به قدری برای همگان آشکار است که رکن ذی‌صلاح را از انجام بررسی بی‌نیاز می‌ساخت (Wang, 1995: 89). دولت ایران تا حدود

۱. روزنامه کیهان، ۲۲ مرداد ماه ۱۳۶۶. صفحه ۳.

۲. روزنامه کیهان، ۲۱ شهریور ۱۳۶۶. صفحه ۲.

3. S/19049. 17 August. 1987.

یک‌سال پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸، خواسته‌های خود را همچنان تکرار می‌کرد تا اینکه در ۲۶ تیر ۱۳۶۷ هجری شمسی (۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی) موافقت خود را اعلام نمود. این قطعنامه به دلیل سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران به وسیله ناو دریایی آمریکا در خلیج فارس، اهمیت جان انسان‌ها، استقرار عدالت و صلح و امنیت بین‌المللی پذیرفته^۱ و در ۲۰ اوت ۱۹۹۸ میلادی، آتش‌بس اعلام شد.

در نهایت، پیشنهاد دبیرکل، مبنی بر گروه ناظران نظامی ایران و رژیم بعث عراق برای نظارت بر اجرای قطعنامه ۵۹۸، به وسیله شورای امنیت در قطعنامه ۲۶۱۹ تأیید شد (Wang, 1995: 90). علل پذیرش قطعنامه از سوی جمهوری اسلامی ایران هرچه باشد، بر همگان روشن است که امام رحمت‌الله‌علیه، برای حفظ نظام و اهداف آن، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتند.

نکات مثبت موجود در قطعنامه (سخنان آقای هاشمی رفسنجانی) به راحتی حاصل نشده بود و پاس‌نداشتن آن، نتایج ناخوشایندی برای ایران به همراه داشت. با همه این تفاسیر، حضور ابرقدرت‌ها در منطقه حساس خلیج فارس، جدی‌شدن موضوع تحریم تسلیحاتی ایران، کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بعث عراق و عکس‌العمل ضعیف جامعه بین‌المللی و موقعیت نه‌چندان مناسب ایران در عرصه جهانی در هموارساختن پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نقش داشتند (زمانی و منصور لاریجانی، ۱۳۷۸: ۱۵۸)؛ اما، امام خمینی رحمت‌الله‌علیه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را به نوشیدن جام زهر تشبیه کردند (الکوار، ۱۳۸۷: ۳۸۰).

بخش دوم: نقش دبیرکل در شناسایی متجاوز و آغازگر جنگ

مسئولان جمهوری اسلامی ایران به‌طورمستمر اعتراض خود به نواقص اساسی قطعنامه ۵۹۸، به خصوص بند ۶ آن (عدم تعیین صریح متجاوز از سوی شورای امنیت) اعلام می‌نمودند^۲. بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، از این حیث اهمیت داشت که تغییر روش شورای امنیت را نشان می‌داد؛ زیرا، این

۱. در نامه‌ای رئیس جمهور ایران به دبیرکل سازمان ملل نوشت «درگیری رژیم بعث عراق علیه ایران، هم‌اکنون ابعاد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است؛ به طوری که، دایره جنگ را گسترش داده و کشورها و حتی شهروندان غیرنظامی را دربرگرفته است. شاید کشته شدن ۲۹۰ انسان بی‌گناه در حادثه هواپیمای ایرانی توسط یکی از کشتی‌های جنگی آمریکا، شاهی بر این ادعا باشد. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم که اعلام کنیم، جمهوری اسلامی ایران به دلیل اهمیتی که به جان افراد، اقامه عدل، حفظ صلح و امنیت منطقه و بین‌الملل می‌دهد، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را می‌پذیرد. S/20020. 18 July. 1988.

۲. Security Council Documents. Res/619. 9 August 1988.

۳. S/19045. 14 Aug. 1987 and S/ 18993. 24 July. 1987.

نخستین قطعنامه‌ای بود که در آن به لزوم معرفی آغازگر منازعه و تعیین متجاوز پرداخته شده بود.^۱ به دنبال تعیین این بند در قطعنامه، رژیم بعث عراق که محرزگشتن تجاوز خود را برای جامعه جهانی مسجل شده می‌دانست، به تکاپو افتاد.

صدام، رئیس‌جمهور رژیم بعث عراق، در نامه ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ میلادی، به رئیس‌جمهوری ایران پیشنهاد کرد که بند ۶ از این قطعنامه حذف شود؛ زیرا، این بند مانعی برای دستیابی به صلح است (Dekker & Post, 1992: 260). این ترفند صدام، بیشتر از آنکه چاره‌ای برای دستیابی به صلح باشد، راهکاری برای فرار از محکومیت و مجازات بود؛ زیرا، تجاوز رژیم بعث عراق به اندازه‌ای محسوس و آشکار بود که نتیجه بررسی هیئت تحقیق قابل‌پیش‌بینی بود (Ibid: 261).

شورای امنیت در قطعنامه ۵۸۲، به جای محکوم‌کردن تجاوز اولیه، تنها از وضعیت ایران و رژیم بعث عراق، ابراز تأسف نمود (ممتاز، ۱۳۷۶ ب: ۷۷). کاستی که در قطعنامه ۵۹۸ بر طرف شد. شورای امنیت به دلایل مختلفی تمایل زیادی به معرفی آغازگر جنگ نداشت. در وهله نخست، شورای امنیت نمی‌خواست معرفی مسئول جنگ را به هیئتی بی‌طرف با نظارت دبیرکل واگذار کند. در وهله دوم، معرفی مسئول جنگ مطابق با منافع کشورهای عضو، به ویژه پنج عضو دائمی شورای امنیت نبود؛ در حالی که، شورای امنیت در گذشته به معرفی مسئول جنگ‌ها پرداخته بود. به عنوان مثال، شورای امنیت در حمله نظامی نیروهای اسرائیل به فرودگاه بیروت، قطعنامه ۲۲۶۲ را در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۸ میلادی صادر کرد. براساس این قطعنامه، اسرائیل مسئول حمله نظامی معرفی شد و لبنان، مستحق دریافت خسارت بود. نمونه دیگر صدور قطعنامه ۳۶۸۷ در تاریخ ۲ آوریل ۱۹۹۱ میلادی بود که در آن رژیم بعث عراق مسئول خسارات جانی و مالی کویت معرفی شد.

طرح اجرایی دبیرکل در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی به دولت‌های ایران و رژیم بعث عراق ابلاغ شد. براساس این طرح، در روز آتش‌بس نیروهای نظامی باید به مرزهای بین‌المللی باز گردند و در آن زمان، هیئتی بی‌طرف وظیفه معرفی مسئول منازعه را آغاز کنند؛ بنابراین، آتش‌بس

۱. بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، از دبیرکل درخواست می‌کند که با مشورت ایران و رژیم بعث عراق، هیئتی بی‌طرف انتخاب و اختیار کافی برای تحقیق و معرفی آغازگر منازعه به آن‌ها تفویض کند و به شورای امنیت گزارش دهد.

2. Security Council Documents. Res/262. 31 December 1968. P. 4.

3. Security Council Documents. Res/687. 3 April 1991. P. 8.

و عقب‌نشینی نیروهای نظامی از یکدیگر جدا شد و در عین حال میان بند یک^۱ و شش قطعنامه^۲ ۵۹۸ وابستگی وجود داشت.

رئیس شورای امنیت برای اجرای بیانیه ۴ دسامبر ۱۹۸۷ میلادی از طرح اجرایی دبیرکل حمایت نمود و مسئولان ایرانی هم این طرح را پذیرفتند؛ اما، مسئولان رژیم بعث عراق این طرح را نپذیرفتند و اصل قطعنامه را تأیید کردند. براساس طرح ۳۱ اوت پیش‌بینی شد که هیئتی بی‌طرف مرکب از اعضای پیشنهادی ایران، رژیم بعث عراق و یکی از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، فعالیت خود را از ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۸ میلادی آغاز نمایند. سپس، گزارش نهایی خود را حداکثر تا اول دسامبر ۱۹۸۸ میلادی به دبیرکل ارائه دهند؛ اما، کارشکنی‌های رژیم بعث عراق، مانع تشکیل چنین هیئتی شد (ممتاز، ۱۳۷۶ ج: ۷۸-۷۷).

سرانجام، دبیرکل سازمان ملل متحد با کارشکنی‌های مسئولان رژیم بعث عراق، تماس‌های متعدد با رهبران دو کشور و مطالعه اسناد، بدون آنکه هیئت بررسی تشکیل دهد، در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی (۱۹ آذر ۱۳۷۰ هجری شمسی) یعنی سه هفته پیش از پایان دوران خدمتش، گزارش خود در مورد بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ تقدیم شورای امنیت کرد^۳ (همان: ۶۵).

براساس بند ۶ قطعنامه، مسئله معرفی آغازگر جنگ باید به گروهی بی‌طرف با مشورت مسئولان ایران و رژیم بعث عراق محول می‌شد و نتیجه آن توسط دبیرکل به شورای امنیت اعلام می‌شد؛ اما، دبیرکل از تشکیل چنین گروهی منصرف شد و خود، رژیم بعث را به‌عنوان متجاوز معرفی کرد^۴. این اتفاق، نظر بسیاری از مسئولان را به خود جلب کرد؛ زیرا، براساس طرح اجرایی دبیرکل که به تأیید شورای امنیت رسیده بود، کمیته تعیین متجاوز باید همزمان با آتش‌بس فعالیت خود را آغاز می‌نمود^۵. تصمیم به عدم تشکیل هیئتی بی‌طرف از سوی دبیرکل زمانی اخذ شد که وی دریافت مسئولیت آغاز جنگ برعهده رژیم بعث است. دلیل این اقدام، کاربرد غیرقانونی

۱. شورای امنیت درخواست کرد مسئولان ایران و رژیم بعث عراق برای نخستین گام حل اختلاف، آتش‌بس فوری اعلام کنند. سپس، کلیه نیروهای نظامی بی‌درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردند.

2. S/23273. 9 Dec. 1991.

3. Ibid.

۴. بولتن قطعنامه ۵۹۸، شماره ۱۴ وزارت امور خارجه، مورخ ۱۳۶۷/۰۷/۲۶، صفحه ۵.

خشونت از سوی رژیم بعث عراق علیه ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی بود که به دنبال بی‌اعتنایی کامل به تمامیت ارضی یک دولت عضو انجام شد.^۱

دبیرکل در تأیید یافته خود، این استدلال رژیم بعث عراق را که تهاجم به ایران در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی دفاعی پیشگیرانه بوده، رد کرد و اذعان داشت: «واقعیت این است که توضیحات رژیم بعث عراق در مورد توجیه علل تهاجم به ایران برای جامعه بین‌المللی غیرقابل قبول است؛ بنابراین، رویداد برجسته‌ای که تحت‌عنوان موارد نقض حقوق توسل به زور به آن اشاره شد، همان حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی علیه ایران است که با توجه به منشور ملل متحد و اصول شناخته شده، قابل توجیه نیست و باعث ایجاد مسئولیت منازعه شده است.^۲ حتی اگر پیش از شروع منازعه برخی تجاوزها از جانب ایران علیه رژیم بعث عراق انجام گرفته باشد، نمی‌تواند توجیه‌کننده تجاوز رژیم بعث عراق باشد. این تجاوز، ناقض یکی از مواد حقوق بین‌المللی یعنی منع توسل به زور بین‌الملل است»^۳. در بخش سوم به اعتبارسنجی حقوقی گزارش دبیرکل در خصوص آغازگر و مسئول جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران پرداخته می‌شود.

بخش سوم: اعتبار حقوقی گزارش دبیرکل در مورد آغازگر جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران
سنجش اعتبار گزارش، منوط به تحلیل اختیارات دبیرکل سازمان ملل متحد در موارد تهدید امنیت بین‌المللی و حدود اختیارات دبیرکل براساس قطعنامه ۵۹۸ است. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مهم‌ترین وظیفه سازمان ملل متحد است؛ به طوری که، هر یک از ارکان اصلی و فرعی این سازمان باید نمودی از تلاش برای تحقق امنیت بین‌المللی باشد.

اما، بدون آنکه ممانعتی از مسئولیت سایر ارکان در این زمینه به وجود آید، وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت سپرده شده است. این شورا در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران به وظیفه خود عمل نکرد و به دلایل سیاسی از ایفای نقش خود بازماند. این عامل سیاسی، باعث تداوم جنگ تحمیلی، قربانی شدن انسان‌های بی‌گناه و خسارات فراوانی شد (زمانی، ۱۳۷۶: ۱۹۱).

1. Op. Cit. Para. 5.

2. Ibid. Para. 6.

3. Ibid. Para. 7.

براساس ماده ۹۹ منشور، دبیرکل می‌تواند نظر شورای امنیت را به مواردی که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، جلب نماید؛ بنابراین، منطقی است که وی از امکان تفسیر (هرچند موردی) مفهوم تهدید علیه صلح برخوردار باشد.^۱ در بخش چهارم به برداشت‌های متفاوتی که از گزارش دبیرکل شده است، پرداخته خواهد شد.

بخش چهارم: برداشت‌های مختلف از ماهیت و اعتبار گزارش دبیرکل

از ماهیت و اعتبار گزارش دبیرکل در مورد مسئولیت آغاز جنگ تحمیلی، برداشت‌های حقوقی گوناگونی شده است. یکی از برداشت‌ها، این است که تعیین متجاوز و «ناقض صلح» در زمره مسئولیت‌هایی است که به‌طور اختصاصی برعهده شورای امنیت است (هدایتی‌خمینی، ۱۳۷۰: ۱۴۸-۱۴۷)؛ از این رو، دبیرکل نمی‌توانسته به‌صورت مستقل اقدامی کند که واجد ارزش حقوقی باشد.

نقش دبیرکل، بررسی وقایع مورد نظر شورای امنیت براساس بند ۶ قطعنامه بوده است. به‌همین دلیل، دبیرکل تنها مأمور ارائه گزارش بوده و حق ارزیابی و اعلام نهایی متجاوز برعهده شورا بوده است؛ اما، دبیرکل بدون توجه به نظر شورای امنیت و تشکیل هیئتی بی‌طرف گزارشی در خصوص تعیین مسئول منازعه تهیه کرد. درحالی‌که، دبیرکل تنها مأمور انجام خواسته‌های شورای امنیت بود؛ زیرا، براساس بند ۲ ماده ۹۸ منشور، دبیرکل باید اقداماتی را که ارکان سازمان ملل متحد به وی ابلاغ می‌کنند، انجام دهد. مقامات رژیم بعث عراق براساس بند مذکور معتقد بودند، دبیرکل از محدوده اختیارات خود تجاوز کرده و گزارش وی بر مبنای نظرات شخصی ارائه شده است. در نتیجه، گزارش وی فاقد اعتبار است.^۲

برداشت دوم، مکمل و اصلاح‌کننده دیدگاه نخست است. براساس منشور و اصول شورای امنیت، تنها این شورا وظیفه تعیین متجاوز را برعهده دارد و در حدود اختیارات دبیرکل نمی‌گنجد.

۱. افزون‌بر، دو رکن اصلی سازمان ملل، یعنی شورای امنیت و مجمع عمومی، نقش سیاسی برای دبیرکل وجود دارد. به‌همین دلیل، دبیرکل اختیاراتی دارد و در مواردی قادر به تصمیم‌گیری است. این اختیارات به‌طور کامل در منشور سازمان ملل تشریح شده است. در این میان، حل منازعه‌های داخلی و بین‌المللی یکی از وظایف وی به‌شمار می‌آید. همچنین، نباید از نقش دبیرکل برای اجرایی کردن نخستین هدف سازمان ملل متحد غافل شد.

2. S/23311. 23 Sep. 1991.

تحلیل بندهای ۶ و ۱۷ قطعنامه ۵۹۸ نشان می‌دهد، شورای امنیت با درک مسئولیت‌های قانونی خود، وظیفه معرفی آغازگر منازعه ایران و رژیم بعث عراق را به دبیرکل تفویض کرده است. به‌همین دلیل، اگر قطعنامه ۵۹۸ حاوی حکمی فراتر از تهیه گزارش تحلیلی نباشد، سکوت شورای امنیت پس از صدور گزارش، نوعی تأیید تلویحی مفاد آن است (Ramazani, 1992: 70-72).

دبیرکل با تأثیر از شرایط ویژه زمان (تجاوز آشکار رژیم بعث عراق به کویت و اعتقاد شورای امنیت به انجام تجاوز) و تهیه گزارشی، سیاست تجاوزکارانه رژیم بعث عراق در جنگ علیه ایران را تأیید کرد و در نهایت تصمیم‌گیری نهایی به شورای امنیت واگذار شد؛ اما، شورای امنیت نه تنها به این اقدام دبیرکل اعتراض نکرد، بلکه با سکوت خود آن را تأیید ضمنی نمود. با تأیید ضمنی شورای امنیت، گزارش دبیرکل براساس اختیار مندرج در قطعنامه ۵۹۸، از ارزش حقوقی برخوردار شد. از زمان صدور گزارش مذکور تاکنون، هیچ دولتی (به‌استثنای رژیم بعث عراق) به آن اعتراض نکرده است. یکی از مزایای این گزارش، پایان دادن به بحث معرفی آغازگر منازعه است.

تعبیرهای مختلف از بند اول مقدمه قطعنامه^۲ وجود دارد. این بند با «ابراز تأسف شورا از آغاز و ادامه منازعه»، مبین نوعی تقسیم مسئولیت جنگ میان رژیم بعث عراق (آغازگر) و ایران (ادامه‌دهنده جنگ) است (لاریجانی، ۱۳۶۶: ۲۹)؛ با این حال، دبیرکل در گزارش خود چنین تعبیری را رد کرد و عامل وقوع تجاوز را به آغازگری منازعه نسبت داد و بر مسئولیت انحصاری رژیم بعث عراق تمرکز کرد.

با اینکه دبیرکل وقت سازمان ملل متحد با عمل به بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، رژیم بعث عراق را متجاوز و مسئول آغاز جنگ تلقی کرد، نقدی بر گزارش وی وارد است؛ زیرا، استنتاج ایشان بر پیگیری بند ۶ قطعنامه بی‌اثر بود و در حوزه صلاحیت‌های وی نبوده است. براساس این قطعنامه، دبیرکل تنها موظف به ارائه گزارش تحلیلی از علل آغاز جنگ و انتساب آن به طرفین

۱. این دو بند از دبیرکل درخواست می‌کند، کارشناسانی به مناطق آسیب‌دیده اعزام کند و اقدامات لازم را به شورای امنیت گزارش دهد.
۲. شورای امنیت با تأیید مجدد قطعنامه ۵۸۲، از تلفات سنگین انسانی و اقتصادی منازعه ایران و رژیم بعث عراق ابراز نگرانی و تأسف کرد.

منازعه بوده است. همچنین، براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، این مقام مسئول قادر به اظهارنظر نبوده است. در ظاهر وی در آستانه پایان مأموریت خود، با چنین بیانی، سعی داشته تا مأموریت‌های محوله خود را به اتمام رساند (میرسعیدقاضی، ۱۳۷۴: ۳۹۰-۳۸۲).

نتیجه‌گیری

براساس حقوق بین‌المللی، تهدید و یا توسل به‌زور علیه استقلال و تمامیت ارضی کشوری، ممنوع است و تنها شرط ورود، حق دفاع مشروع و اقدامات اجرایی فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد است. مسئولان رژیم بعث عراق با آگاهی از این موضوع، حمله‌ای گسترده علیه ایران به‌عنوان دفاع مشروع در برابر بی‌توجهی ایران به حدود مرزهای آبی اروندرود و حملات ادعایی پراکنده از سوی ایران به مرزهای این کشور ترتیب دادند. با اینکه جامعه بین‌المللی و شورای امنیت در ابتدا از قبول تجاوزگری رژیم بعث عراق خودداری می‌نمودند؛ اما، هرگز ادعاهای مسئولان این رژیم را تأیید نکردند. در منازعه رژیم بعث عراق علیه ایران جنایاتی به وقوع پیوست که بی‌سابقه و کم‌سابقه بود. در این منازعه، بسیاری از قواعد و مقررات مسلم حقوق بین‌المللی و اصول انسانی به‌طور مستمر از سوی رژیم بعث عراقی نقض شد و خسارات مادی و معنوی بسیاری به ایران و ایرانیان وارد شد؛ اما، در این زمان، جوامع بین‌المللی و سازمان ملل متحد واکنشی نشان نداد.

سازمان ملل متحد و بازوی اجرایی آن یعنی شورای امنیت، اقدام عملی در زمینه تعیین متجاوز و مسئول جبران خسارات انجام ندادند؛ اما، به‌اصرار مسئولان ایرانی، یکی از شروط پذیرش قطعنامه ۵۹۸ معرفی متجاوز مطرح شد و مسئولیت تعیین آن به دبیرکل محول شد. براساس بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ مقرر شد، هیئتی بی‌طرف به این موضوع رسیدگی کند؛ اما، دبیرکل هم‌زمان با تجاوز رژیم بعث عراق به کویت، بدون تشکیل هیئت تحقیق، با تنظیم گزارشی رژیم بعث عراق را مسئول منازعه معرفی کرد و آن را به شورای امنیت ارائه نمود. در این زمان، شورای امنیت، اعتراضی به اقدام دبیرکل در شناسایی متجاوز نکرد؛ زیرا، حمله رژیم بعث عراق به کویت، صورت حقیقی و تجاوزگر این رژیم را بر همگان آشکار نمود و زمینه اظهارنظر دبیرکل را فراهم کرد.

گزارش دبیرکل و معرفی رژیم بعث عراق به‌عنوان آغازگر جنگ، حاوی پیام مهمی برای جامعه جهانی بود. این پیام به نقش سازمان ملل در ترویج حاکمیت قانون بازمی‌گردد؛ زیرا، با

گذشت دوازده سال از آغاز تجاوز رژیم بعث عراق به ایران، گزارش دبیرکل حاوی همان نتیجه‌ای بود که شورای امنیت از اعلام آن ابا داشت. واکنش شورای امنیت در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به ایران که متفاوت از واکنش سریع تهاجم این رژیم به کویت بود، شگفت‌آور است. مقایسه قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت که شش روز پس از تهاجم رژیم بعث عراق علیه ایران صادر شد و قطعنامه ۶۶۰ این شورای که در ۲ اوت ۱۹۹۰ (در تهاجم رژیم بعث علیه کویت مصوب شد)، نمایانگر قصور شورای امنیت در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران است. شورای امنیت در تمام زمینه‌های جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران همانند معرفی آغازگر جنگ، وضعیت آتش‌بس و اجرای دقیق حقوق بشر دوستانه بین‌المللی کوتاهی نمود.

شورای امنیت واکنش کمی در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران از خود نشان داد. درحالی‌که، اگر این شورا تصمیم مؤثری اتخاذ می‌نمود، فاجعه مصیبت‌بار تجاوز به کویت رخ نمی‌داد؛ زیرا، پس از تجاوز رژیم بعث عراق علیه ایران، صدام حسین یقین یافت که تهدید شورای امنیت، نوعی یاوه‌سرایی است که هرگز واقعیت نخواهد یافت و در نتیجه تجاوز مجدد این رژیم به کویت با واکنش خنثی سازمان‌های مرتبط روبه‌رو خواهد شد.

در هر صورت می‌توان اذعان داشت، گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در راستای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ سند معتبری برای معرفی آغازگر و مطالبه خسارات ناشی از تجاوز به خاک ایران به‌شمار می‌آید. اقدامات دبیرکل، برای جبران خسارات ملت ایران کفایت نمی‌کند و مقامات سیاسی ایرانی در سطوح سیاسی و مناسبت‌های گوناگون این موضوع را یادآور می‌شوند. به‌عنوان مثال، پس از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در سال ۱۳۸۳، وزیر وقت خارجه ایران با ارسال نامه‌ای به عنان (دبیرکل وقت ملل متحد) ضمن اشاره به گزارش پرز دوکوئیاری در سال ۱۹۹۱ میلادی و معرفی رژیم بعث عراق به‌عنوان آغازگر جنگ، بر حق دریافت غرامت تأکید کرد. در برابر این ادعا، دبیرکل با دو جانبه خواندن موضوع، اعلام داشت که ایران می‌تواند پس از تشکیل حکومت مردمی و مورد قبول جامعه بین‌المللی، با حکومت مذاکره کند.

این موضوع همواره به مقامات عراقی یادآوری می‌شود. در انتها، ذکر این نکته ضروری است که در دنیای دیپلماسی امروز، هیچ‌پیوندی میان روابط دوستانه دو کشور و مطالبه حقوق

وجود ندارد؛ به طوری که، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات باعث تقویت روابط میان ملت‌ها می‌شود.

کتابنامه

منابع فارسی

- امین‌زاده، الهام و موسوی، فضل‌الله (۱۳۷۵). مبانی اساسی منشور سازمان ملل متحد در ایجاد و حفظ صلح، نشریه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، زمستان، شماره ۴، ۲۲۱-۲۰۵.
- بی‌نام (۱۳۷۰). تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور حقوقی وزارت امور خارجه.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۷۱). نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۴). سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین علیه‌السلام.
- حمیدی نیا، حسین (۱۳۸۱). دلایل نظامی شکست رژیم بعثی عراق در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت‌المقدس، نشریه نگین ایران، شماره ۱، ۳۴-۲۴.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۷۶). تأملی بر مواضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران و کویت، نشریه سیاست دفاعی، شماره ۲۱-۲۰، ۱۹۴-۱۶۵.
- زمانی، سیدقاسم و منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۸). نظام امنیت جمعی و سازمان ملل متحد و تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۱). حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- شریف، محمد (۱۳۷۳). بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، تهران: اطلاعات.
- علائی، حسین (۱۳۶۷). جنگ شیمیایی تهدید فزاینده، تهران: اطلاعات.
- فتحی، حسن (۱۳۶۹). تلاش‌های صلح‌آمیز در هشت سال دفاع مقدس، حماسه مقاومت، تهران: ستاد فرماندهی کل قوا.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۶۹). شورای امنیت و صلح جهانی، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۸، ۱۰۴-۳۳.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۷). ابعاد حقوقی دورنمای صلح بین ایران و رژیم بعثی عراق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

الکوارى، حمد عبدالعزيز (۱۳۸۷). عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران، ترجمه محمدعلی عسگری، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۶). تحرک بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ تحمیلی، گزارش سمینار ۴، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مصفا، نسرين؛ شایگان، فریده و صادقی حقیقی، دیدخت (۱۳۶۶). تجاوز عراق به ایران و موضع گیری سازمان ملل متحد، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران.

ممتاز، جمشید (۱۳۷۶ الف). مذاکرات ایران و عراق به منظور اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، ترجمه امیر حسین رنجبریان، تهران: انتشارات دادگستر.

ممتاز، جمشید (۱۳۷۶ ب). ایران و حقوق بین‌الملل، ترجمه امیر حسین رنجبریان، تهران: انتشارات دادگستر.

ممتاز، جمشید (۱۳۷۶ ج). حق طبیعی دفاع مشروع در جنگ عراق با ایران، تهران: انتشارات دادگستر.

میرسعیدقاضی، علی (۱۳۷۴). زندگی‌نامه دبیرکل سازمان ملل متحد و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها، تهران: وزارت امور خارجه.

نوربها، رضا (۱۳۷۲-۱۳۷۱). بررسی قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه و اعمال آن در جنگ رژیم بعثی عراق علیه ایران، نشریه حقوقی، شماره ۱۷-۱۶، ۲۶۰-۱۷۳.

هدایتی‌خمینی، عباس (۱۳۷۰). شورای امنیت و جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هیوم، کامرون (۱۳۷۶). سازمان ملل متحد، ایران و رژیم بعثی عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی‌ثابت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

منابع انگلیسی

- Brownlie, I. (1995). International law at the fiftieth Anniversary of the United Nations: General Course on Public International Law, *Courses of the Hague Academy of International Law*, 255, 9-228.
- Cordeman, H. A. (1987). *The Iran- Iraq war and Western Security 1984- 1987: Strategic Implications and Policy*, London: Jane's Publishing Co. Ltd.
- Dekker, F. I., & Post, H. H. G. (1992). *The Gulf war of 1980- 1988, The Iran- Iraq War in International Legal Perspective*, Belgium: Martinus Nijhoff Publishers.

- Joyner, C. C. (1990). *The Persian Gulf War: lessons for strategy, law and Diplomacy*, New York: Greenwood Publishing Group.
- Kaikobad, K. H. (1992). Self-defence, enforcement action and the Gulf war's, 1980-88 and 1990- 91, *British Yearbook of International Law*, 63, 299-336.
- Paenson, I. (1989). *Manual of Terminology of the Law of Armed conflicts and of International Humanitarian Organization*, London: Kluwer Law International.
- Ramazani, R. K. (1990). *Iran's Resistance to the U.S. Intervention in the Persian Gulf. In Neither East nor West: Iran, the Soviet Union, and the United States*, USA: Yale University Press.
- Ramazani, R. K. (1992). Who Started the Iraq-Iran War?, *Virginia Journal of International Law*, 33, 69-90.
- Rashid, N. I., & Esber, I. S. (1992). *Saudi Arabia and Gulf war*, India: International Institute of Technology Inc.
- Wang, E. B. (1995). The Iran- Iraq war Revisited: Some Reflection on the Role of International Law, *CYIL*, 32, 83-109.

اسناد

- INA (Iraq News Agency). 22 July 1987 (From Baghdad). No. 2.
- S/14190. 23 Sep. 1980.
- S/14196. 23 Sep. 1980.
- S/14197. 25 Sep. 1980.
- S/14198. 26 Sep. 1980.
- S/14199. 23 Sep. 1980.
- S/14201. 26 Sep. 1980.
- S/14203. 29 Sep. 1980.
- S/ 15293. 15 July. 1982.
- S/15296. 15 July. 1982.
- S/15443. 1 Oct. 1982.
- S/16092. 28 Oct. 1983.
- S/16103. 3 Nov. 1983.
- S/17859. 21 Feb. 1986.
- S/17897. 5 March. 1986.
- S/18372. 30 Sep. 1986.
- S/18480. 26 Nov. 1986.
- S/18983. 20 July. 1987.
- S/18993. 24 July. 1987.
- S/19045. 14 Aug. 1987.
- S/19049. 17 August. 1987.
- S/20020. 18 July. 1988.
- S/23273. 9 Dec. 1991.
- S/23311. 23 Sep. 1991.
- SG/SM/ 4019. 20 July. 1987.

United Nations Press release. IR/10/19 Aug. 1988.

قطعاتنامه‌ها

- Security Council Documents. Res/54. 15 July 1948.
- Security Council Documents. Res/262. 31 December 1968.
- Security Council Documents. Res/479. 28 September 1980.
- Security Council Documents. Res/514. 12 July 1982.
- Security Council Documents. Res/522. 4 October 1982.
- Security Council Documents. Res/540. 31 October 1983.
- Security Council Documents. Res/552. 1 June 1984.
- Security Council Documents. Res/582. 24 February 1986.
- Security Council Documents. Res/588. 8 October 1986.
- Security Council Documents. Res/598. 20 July 1987.
- Security Council Documents. Res/619. 9 August 1988.
- Security Council Documents. Res/687. 3 April 1991.

